

ويرژيل

ویرژیل

جسپر گریفین

مترجم
عبدالله کوثری



انتشارات
تهران
۱۳۹۵

Jasper Griffin
Virgil
Oxford University Press, New York, 1986

Griffin, Jasper	گریفین، جسپر (۱۹۳۷-)	سرشناسه:
	ویرژیل؛ جسپر گریفین؛ مترجم عبدالله کوثری.	عنوان و پدیدآور:
	تهران، نشر ماهی، ۱۳۹۵.	مشخصات نشر:
	۱۵۰ ص.	مشخصات ظاهری:
	ISBN 978-964-209-105-8	شابک:
	فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).	یادداشت:
Virgil	عنوان اصلی:	یادداشت:
	کتاب‌نامه.	یادداشت:
	نمایه.	یادداشت:
	ویرژیل، ۱۹۷۰ ق.م. — نقد و تفسیر.	موضوع:
	روم در ادبیات.	موضوع:
	کوثری، عبدالله، ۱۳۲۵-، مترجم.	شناسه‌ی افزوده:
	۱۳۹۵ و ۹/۴۶۸۲۵/PA	رده‌بندی کنگره:
	۸۷۳/۰۱	رده‌بندی دیویی:
	۲۳۱۰۶۵۲	شماره‌ی کتابخانه‌ی ملی:

فهرست

نشانه‌ها	۶
۱ زندگی و دوران: وحدت آثار ویرژیل	۷
۲ سرودهای شبانی: رُم و آرکادیا	۳۱
۳ منظومه‌ی کشاورزی: الهه‌ی شعر با خیش	۴۹
۴ انه‌اید و اسطوره‌ی روم	۷۵
۵ حضور پس از مرگ و تأثیر ویرژیل	۱۳۱
برای مطالعه‌ی بیش‌تر	۱۳۹
نمایه	۱۴۳

ویرژیل

نویسنده
مترجم

جمسپر گریفین
عبدالله کوثری

+

تایستان ۱۳۹۵
نسخه ۱۰۰۰

چاپ اول
تیراژ

+

حسین سجادی
سپیده
آرمانسا
صنوبر
سپیدار

مدیر هنری
حروف چینی
لیتوگرافی
چاپ جلد و متن
صحافی

+

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۹-۱۰۵-۸
همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.



نشر ماهی

تهران، خیابان انقلاب، رویه‌روی سینما سپیده، شماره‌ی ۱۱۷۶، واحد ۴
تلفن و دورنگار: ۶۶۹۵۱۸۸۰
www.nashremahi.com

زندگی و دوران: وحدت آثار ویرژیل

پوبلیوس ورجیلیوس مارو، که اغلب به نام ویرژیل می‌شناسندش، در دوران زندگی خود مردی پرآوازه بود. اشعار او نخستین اشعار در تاریخ ادبیات لاتینی است که آموزگاری معاصر شاعر درباره‌ی آن‌ها سخن رانده است؛ اگرچه کم‌تر به میان مردم می‌آمد، هرگاه که در کوی و برزن رُم و در تماشاخانه ظاهر می‌شد، انگشت‌نمای مردمان بود. پس می‌توان گفت که بسیار مورد توجه بود و نوشتن درباره‌ی آثارش بسی زود آغاز شد. اما چنین که پیداست، در زندگی شخصی آدمی پرآزرم و کناره‌جوی بوده، و با دوست آداب‌دان خود هوراس بسیار تفاوت داشته است. از این روست که آگاهی دقیق درباره‌ی او، در قیاس با زندگی نامه‌های مفصلی که از باستانیان داریم، بسیار اندک است.

او در شهری کوچک نزدیک مانتوا^۱ به دنیا آمد. تاریخ تولدش را ۱۵ اکتبر سال ۷۰ ق.م. آورده‌اند. خانواده‌اش مردمانی محترم بودند اما در شمار بزرگان جای نداشتند. از آموزش خوبی در کرمونا^۲ و رُم برخوردار شد اما مانند هوراس، که فرزند آزادمردی توانگر بود، برای آموختن فلسفه به آتن فرستاده نشد. در آن زمان تحصیل در آتن در چشم طبقه‌ی توانگر رم همچون گذراندن دوره‌ی دانشگاه بود. ما مانتوا (امروز مانتووا^۳) را شهری ایتالیایی می‌شناسیم، اما در قرن اول پیش از میلاد این شهر بخشی

نشانه‌ها

E	سرودهای شبانی
G	منظومه‌ی کشاورزی
A	انه‌اید

1. Mantua

2. Cremona

3. Mantova

از ناحیه‌ی گل سیزالپین^۱ (گل این سوی آلپ) به شمار می‌رفت. این منطقه یکسره رومی شده بود اما تنها در سال ۴۹ ق.م، آن‌گاه که ویرژیل بیست و یک ساله بود، بعد از ناآرامی‌های درازمدت، سرانجام شهروندی روم را از یولیوس سزار دریافت کرد. این سیاستمدار هوشمند که در آستانه‌ی جنگ داخلی بود، با اعطای این امتیاز گران بر آن بود تا مردمان ناحیه‌ای توانگر و پرجمعیت را به هواداری خود کشاند.

جنگ داخلی میان سزار و پومپیوس^۲ تنها یکی از بسیار زخم‌هایی بود که روم و ایتالیا در دوران زندگی ویرژیل بر پیکر خود نشاناند. در سال ۶۳، آن‌گاه که او هفت ساله بود، کاتیلین^۳، که بر ارتشی ایتالیایی فرمان می‌راند، در نبردی غافلگیرانه با لژیون‌های رومی از پای درآمد. دهه‌ی ۵۰ ق.م. دوران بالاگرفتن ناآرامی‌ها بود و شورش‌هایی در روم در گرفت که گاه کار حکومت را به‌راستی فلج می‌کرد. سزار، که ارتش پومپیوس را در نبردی سه‌ساله از ۴۹ تا ۴۶ ق.م. شکست داده بود، در پانزدهم مارس کشته شد و دور دیگری از جنگ‌های داخلی آغاز شد. شکست‌نهایی بروتوس^۴ و کاسیوس^۵ و فرمانروایی آنتونیوس^۶ و اوکتاویانوس^۷، وارث سزار، دوران تبعید و قتل و مصادره‌ی اموال بود. سومین جنگ داخلی در سال ۳۱ ق.م.

1. Cisalpine Gaul

۲. ملقب به پومپیوس کبیر (۱۰۶-۴۸ ق.م.) سردار بزرگ رومی. نخست با سزار متحد بود و این دو همراه با کراسوس اولین تریوم ویراتوس را تشکیل دادند. اما بعدها با سزار درافتاد و از او شکست خورد و به مصر گریخت و در آن‌جا کشته شد. م.
۳. سیاستمدار رومی (۱۰۸-۶۲ ق.م.). برای رسیدن به قدرت توطئه کرد اما توطئه‌اش فاش و خود او در نبرد کشته شد. م.
۴. مارکوس یونیوس بروتوس (۸۵-۴۲ ق.م.) قاتل اصلی سزار. پس از شکست از اوکتاویانوس خودکشی کرد. م.
۵. گایوس کاسیوس لونگینوس (فوت ۴۲ ق.م.) از توطئه‌گران قتل سزار. پس از شکست از اوکتاویانوس خودکشی کرد. م.
۶. سردار و سیاستمدار رومی (۸۳-۳۰ ق.م.). از هواداران یولیوس سزار بود و مردم را برکشندگان او شوراند. با کلئوپاترا به مخالفت با اوکتاویانوس برخاست و پس از شکست خودکشی کرد. م.
۷. مشهور به اوگوستوس (۶۳-۱۴ ق.م.) خواهرزاده‌ی یولیوس سزار و وارث او بود. از طرف سنا لقب امپراتور گرفت و امپراتوری را وحدت بخشید. حامی ویرژیل و هوراس و دیگر شاعران بود. م.

پیش از پیروزی نهایی اوکتاویانوس روی داد و او سرانجام در سال ۲۹ ق.م. به رم بازگشت و در سال ۲۷ ق.م. نام اوگوستوس گرفت و به همین نام در تاریخ شناخته می‌شود. از پنجاه و یک سال عمر شاعر بیست و نه سال در جنگ گذشت که شانزده سال آن جنگ‌های داخلی بود. چنین برآورد شده است که در دوران تبعید و کشتار سال‌های ۴۲ و ۴۱ ق.م. دست‌کم ۱۵۰ سناتور و ۲۰۰۰ نفر از اعضای طبقه‌ی اکوییتس^۱ که فروتر از سناتورها بودند، جان خود را از دست دادند، نواحی وسیعی از ایتالیا به سبب جنگ، قحطی و مصادره‌ی قهرآمیز ویران و متروک شد و در این میان مانتوا نیز سخت کیفر دید. منابع محدودی که در دست داریم نشان‌دهنده‌ی بیش از پنجاه مورد خودکشی در این دوره‌ی پرمخافت است.

سال‌های بالندگی شاعر ما در چنین دورانی بود. رفته‌رفته چنین می‌نمود که آن امپراتوری که در درازای قرن‌ها به کف آمده بود سرانجام می‌بایست ناچیز شود، کاپیتول^۲ از آن فراز، کشتار شهروندان و پایان کار روم را نظاره می‌کرد. شعرهای اولیه‌ی هوراس که در اوایل دهه‌ی ۳۰ نوشته شده، اغلب شعرهایی است آکنده از تلخکامی و نومیدی از آینده. این نومیدی و نیز امید لرزان و رنگبخته به انتظار رستگاری، عقلانیت و بازگشت عظمت و امنیت روم، احساساتی است که برای شناخت شعر ویرژیل اهمیتی گزاف دارد، زیرا در دوره‌های پیاپی به شکل‌های گوناگون در شعر او رخ می‌نماید. ویرژیل به هوای آن‌که بیان‌کننده‌ی این احساسات دامن‌گستر باشد، به آرمان‌های شاعران نسل پیش از خود پشت کرد. زیرا کاتولوس^۳ و دوستانش به خود می‌نازیدند که نخبه‌گرایند و برتر از افکار و پسند طبقه‌ی بورژوا جای دارند و در عین حال با جبار و جنجال در خوارداشت سیاست سخن می‌گفتند. کاتولوس درباره‌ی بزرگ‌ترین مرد

۱. equestrians: به معنای اسب‌سواران. طبقه‌ی بعد از سناتورها. در واقع سرمایه‌داران روم بودند. م.
 ۲. Capitol؛ بلندترین تپه‌ی رم. مرکز تاریخی و مذهبی این شهر. جایگاه معبد ژوپیتر کاپیتولینوس. م.
 ۳. شاعر غنایی رومی (۸۴-۵۴ ق.م.). از بزرگ‌ترین شاعران رم به شمار می‌رود. م.

سیاسی دوران خود چنین می نوشت: «هرگز سر آن ندارم که تو را خوشنود کنم، ای سزار، مرا چه کار به این که تو سیاهی یا سپیدی.» حاصل کار کاتولوس و دوستانش در دو رده جای می گیرد. نخست شعرهای کوتاه شخصی که یا شعرهای پرشور تغزلی بودند و یا لطیفه‌های منظوم، و دیگر کارهایی سنگین و بنیادین - شامل ۴۰۰ سطر یا در این حدود - که پرداختی استادانه داشت و بیش تر درباره‌ی مضامین اساطیری بود، مانند پلئوس و تیس اثر کاتولوس و یا آثاری پیچیده و دیرپا مانند زمیرنا اثر سینا^۱، دوست کاتولوس، که چون در میان مردم منتشر شد در همان زمان هم نیاز به شرح و تفسیر داشت. بیرون از گروه این نویسندگان، سیمای شاعری بزرگ، و تا آن جا که می دانیم گوشه گیر، لوکریتوس، به چشم می خورد که شعر بلندش در چگونگی عالم در توضیح فلسفه‌ی اپیکوروس^۲ و هواداری پرشور از این فلسفه بود.

ویرژیل زمانی به نوشتن آغاز کرد که شعر در محیط شهر رُم به گونه‌ای نو می‌کننده گرفتار پراکندگی بود. آثار کاتولوس و یارانش، با آن دو جنبه‌ای که یاد کردیم، گویی جایی برای ابراز اندیشه‌هایی درباره‌ی مضامین اساسی دنیای معاصر باقی نهماده بود. از سوی دیگر شعر لوکریتوس با همهی قدرتی که داشت در خدمت فلسفه‌ای بود که مردمان را از سیاست و دولت دور می کرد. عاطفه‌ی فردی، پالایش فنی و سبک فاخر جملگی در راه‌های گوناگون خرج می شد، اما بیان اخلاق و افکار سیاسی اجتماع و تعالی بخشیدن به آن، یعنی آن نقشی که در یونان هومر و تراژدی‌نویسان آتنی بر عهده گرفته بودند، گویی فراتر از قدرت یا حتی خواست شاعران رم بود. اگر ویرژیل را به چشم شاعری بنگریم که می خواست در برابر بحران حاکم بر سیاست و شعر واکنشی نشان دهد، می توانیم راهی به

شناخت کار شاعری او بگشاییم. وظیفه‌ی شاعر این بود که احساسات مردمانش را بر زبان آورد، اما موقعیت شعر چنان بود که این وظیفه را بیش از حد دشوار می کرد. کاتولوس، سینا و شاعران دیگر، با صنعتی استادانه و با استفاده از پژوهش‌های خود، سبک شعری بسیار پالوده و زیبا ابداع کرده بودند، اما چنین می نمود که در این سبک هیچ چیز به نوشتن در نمی آمد مگر اشعار اساطیری که با زندگی معاصر هیچ پیوندی نداشت. پالایش آن سبک که سبب شد زبان لاتین به جمال و کمالی آراسته شود که با شکوه شعر یونانی قیاس پذیر می بود، به آسانی کنار نمی رفت. هیچ شاعر بزرگی نمی توانست از چنین دستاوردی واپس گراید. اما واقع‌گرایی سرزنده‌ی اشعار کوتاه کاتولوس و صمیمیت پرشور و افکار ژرف لوکریتوس می بایست در سبکی تجلی می یافت که وزن و آهنگش چیزی از آن توصیفات زیبا در زمینه‌ی اساطیر یونانی کم نمی آورد.

در اواخر دهه‌ی ۴۰ ق.م.، ویرژیل سرگرم سرودن دفتری از سرودهای شبانی بود. او خود اعلام کرده بود که در این کار از سنت شعری تئوکریتوس پیروی می کند. دریافت معنای این دعوی نه تنها برای شناخت سرودهای شبانی، که نیز برای راه بردن به دیگر اشعار ویرژیل اهمیت بسیار دارد. تئوکریتوس، که مردی یونانی از سیراکوز^۱ بود و بیش تر عمر خود را در مدیترانه‌ی شرقی در شهر بزرگ اسکندریه و در جزیره‌ی کوس^۲ واقع در دریای اژه گذارنده بود، در حدود سال‌های ۲۸۰-۲۶۰ ق.م. شعر می سرود. او مردی ادیب بود که مجموعه‌ی متنوع اشعارش شامل شعرهایی در گویش‌های مختلف یونانی می شد که برخی از آن‌ها به سبک شاعران پیش از او بود. این خود شیوه‌ی رویکرد تئوکریتوس به شعر را نشان می دهد. او به هیچ‌روی روستایی مردی بی هنر نبود، اما بسیاری از اشعارش از آن خامکاری و کژذوقی روستایی نشانه‌ها دارد.

۱. شاعر رمی. در مراسم تدفین سزار، جماعت خشمگین او را با سینیایی دیگر به خطا گرفتند و کشتند. م.

۲. فیلسوف یونانی (۳۴۱-۲۷۰ ق.م.) که خیر آدمی را در لذت معنوی یا آرامش درونی می دانست. م.

از مجموعه‌ی آثار تئوکریتوس آنچه او را بلندآوازه کرد «سرودهای شبانی» بود. این اشعار شامل «میم‌ها»^۱، طرح‌هایی کوتاه (۱۰۰ سطر یا کم‌تر) به صورتی دراماتیک بود که قابلیت اجرا داشت. این قطعات صحنه‌هایی کوچک از زندگی شبانان ساده‌ی روستایی بود که به هنگام چراندن گله یا آن‌گاه که دمی به‌راحت می‌گذرانند از عشق می‌گفتند و می‌خواندند؛ و نیز زیبایی‌های طبیعت و شور و حال موسیقی در این قطعات جایی از آن خود داشت. شبانان اغلب فراغتی ندارند و معمولاً به هنگام کار سرود می‌خوانند. پیوند میان شبان و سرود از داود شاه بنی‌اسرائیل تا کدمن^۲ انگلیسی برقرار بوده است. اما تئوکریتوس شبانسرودهای خود را در سبکی می‌سرود بسیار متفاوت با آنچه می‌توانستی از دهان گله‌چرانان سیسیلیایی واقعی بشنوی. این سرودها در قالب شش‌تدی است و سطرهایی بلند و پُرهمینه دارد (از سیزده تا هفده هجایی) که همان سبک هومر است، و این وزنی است بسی دور از آهنگ کلام معمولی و نیز دور از قطعات کوتاه ترانه‌های عامیانه. نوعی نابجایی یا ناسازگاری عمده‌ی میان سبک فاخر شعر تئوکریتوس و مضمون این شعر که مشغله‌ها و عشق‌های ساده‌ی روستاییان بود به چشم می‌خورد و این خود بخشی از آن اهداف زیباشناختی بود که شاعر در سر داشت. این آمیزه با عاملی دیگر تکمیل می‌شد و آن گزینش گویشی متفاوت با گویش هومری بود که انتظار می‌رفت هر شاعری که در قالب شش‌تدی شعر می‌گوید از آن بهره بجوید. استفاده از نوعی گویش ساختگی دوریک^۳ دست شاعر را باز می‌گذاشت تا شعر خود را با اصوات کشیده‌ی ā و o بیاراید، که به‌خودی‌خود اصواتی خوش‌آهنگ بودند و در قالب شش‌تدی

۱. mime؛ در یونان و روم باستان، قطعات کوتاه و ساده‌ی کمیک که شامل حرکات بدون کلام نیز می‌شد. م.

۲. نخستین شاعر مسیحی انگلیسی که در دیر و بینی به شبانی روزگار می‌گذراند. م.

۳. Doric؛ منسوب به دوریس، ناحیه‌ای بسیار قدیمی از خاک یونان. م.

بداعتی بی‌سابقه می‌یافتند و خوشایندتر می‌شدند. دقتی موشکافانه در مورد وزن و ترکیب اصوات شعر را آهنگ و ترنمی مسحورکننده می‌بخشید و بدین‌سان سخنانی که از زبان روستاییان شنیده می‌شد در عین سادگی پالوده و شیوا می‌نمود. این شخصیت‌ها در قیاس با خواننده‌ی شهرنشین پیچیدگی کم‌تر اما طبعی شاعرانه‌تر داشتند، و آن خواننده‌ی شهرنشین هم خود را برتر از اینان می‌شمرد و هم به آدم‌هایی چنان ساده که هیچ فکر و ذکری جز عشق و سرودخوانی نداشتند رشک می‌برد. خواننده‌ای که یونانی نمی‌داند، شاید با خواندن برخی اشعار تنیسن به دریافت بهتری از تئوکریتوس برسد تا خواندن ترجمه‌ی انگلیسی اشعار او:

بیای دختر، از فراز کوه پایین بیا

در آن بلندی چه لذتی یافته‌ای (شبان چنین می‌خواند)

در آن بلندی و سرما، شکوه تپه‌ساران؟...

پس بیهوده درنگ مکن، بیا که همه دره‌ها چشم به راه تواند،

شعله‌های نیلی اجاق به‌سوی تو برمی‌شوند، کودکان می‌خوانندت

و من شبان تو، نی می‌زنم برایت، و هر صدا دلنشین است

صدای تو دلنشین‌تر، اما هر صدا دلنشین است

جو بیاران بسیار بر چمنزار می‌شناهند

آوای کبوتران بر نارون پیر

و نجوای زنبورهای بی‌شمار.

چنان‌که گفتیم تئوکریتوس مردی ادیب، و از کسانی بود که در کنار شاعران، نویسندگان و محققان از حمایت بطلمیوس، پادشاه فریخته‌ی مصر، برخوردار بود. شعر شیوا و خوش‌آرایی تئوکریتوس در طول دو قرنی که فاصله‌ی میان مرگ او و سروده‌شدن شبانسرودهای ویرژیل بود، مقلدان بسیار یافت و ویرژیل برخی از این شعرهای تقلیدی را با اصل آن‌ها به خطا گرفت.

ویرژیل مدعی بود که پیرو تئوکریتوس است:

Prima Syracosio dignata est ludere versu
nostra neque erubuit silvas habitare Thalia. (E ۶ ۱-۲)

الهه‌ی شعر من نخستین الهه بود که جولان دادن در شعر سیراکوزی
را مایه‌ی شرمساری نمی دانست و نیز خانه کردن در جنگل چهره‌اش
را آزر مگین نمی کرد.

در این جادو پرسش پیش می‌آید: «پیروی» از شاعری متقدم که تبار یونانی
دارد چه معنایی داشته است، و چرا ویرژیل از کل ادبیات یونان تئوکریتوس
را برگزیده است؟

آن پرسش کلی یکی از مهم‌ترین مسایل در کل ادبیات لاتینی است، و
نه تنها برای سرودهای شبانی ویرژیل، که نیز برای منظومه‌ی کشاورزی^۱ و
انه‌اید بسیار اهمیت دارد. رومیان که مردمانی خشن و سختکوش بودند دنیا
را به زیر نگین خویش آوردند، اما خود را با برتری انکارناپذیر فرهنگ
یونانی روبه‌رو دیدند. در سال ۲۵۰ ق.م، رومیان اصولاً ادبیاتی نداشتند
مگر چند سرود ساده، مشت‌ی اوراد و عبارات قالبی و مجموعه‌ای از قوانین.
اینان خود را با شکوه خیره‌کننده‌ی هنر، فلسفه و ادبیات یونان رودرو
یافتند. نقاشی‌ها و تندیس‌ها را می‌توانستند در شمار غنائیم جنگ به رم
ببرند، و این شهر چیزی نگذشته سرشار از آثار هنری شد، اما انتقال
ادبیات بدان سادگی نبود. قدرت هنر یونانی بیش از هر چیز در کمال
صورت آن نهفته بود، از دقایق ریاضی پارتون^۲ تا ظرافت و دقت
بی‌کم و کاست شعر یونانی و آهنگ سنجیده و فراز و فرود نرمش‌پذیر نثر
یونانی افلاطون. به گفته‌ی لیتن استریچی^۳ «هنر یونانی از هر جهت که

بنگریم کامل‌ترین هنر در عالم است، این هنر همواره در پی آن است تا
آنچه را که می‌خواهد بیان کند به کامل‌ترین و نهایی‌ترین صورت بیان کند،
و چون چنین کرد، خرسند می‌شود.» این کمال صورت سبب می‌شد
بیش تر اقوامی که با یونانیان آشنا می‌شدند یکسره خود را ببازند.
لوکیاییان^۱، لیدیاییان^۲ و اتروسک‌ها^۳ همگی فریفته‌ی این صورت یونانی
شدند و در اغلب زبان‌های دنیای مدیترانه‌ای اصولاً ادبیاتی پدید نیامد.
دانش آموختگان سوری و کاپادوکی^۴ به یونانی می‌نوشتند؛ حتی یهودیان،
مصریان و بابلی‌ها – مردمی که پیش از آشنایی با یونانیان ادبیاتی از خود
داشتند – رفته‌رفته نوشتن به زبان یونانی را آغاز کردند. برای اقوامی که
تا آن زمان آثار ادبی از آن خود نداشتند فریبندگی‌های قالب هنر یونانی
و امکاناتی که پیش روی مخاطبان از هر قوم می‌گذاشت بسیار مؤثر بود.
بدین‌سان، زبان این اقوام سرانجام مقهور زبان یونانی می‌شد. چنین بود
که زبان اتروسک‌ها، زبان اوسکان^۵ و مساپیان^۶ و بسیاری زبان‌های دیگر
به تدریج از میان رفت.

در پایان قرن سوم ق.م، رفته‌رفته چنین می‌نمود که زبان لاتین نیز
به‌رغم کشورستانی‌های روم، همان راه را می‌پیماید. سناتورهای رومی به
زبان یونانی تاریخ می‌نوشتند و آنچه ادبیات لاتینی را پدید آورد و این زبان
را تحول بخشید کوشش اشراف رُم نبود، بلکه تلاش مردمانی فرودتر بود که
خارج از رم جای گرفته بودند. ادبیات لاتینی با ترجمه‌ی آثار هومر به
دست برده‌ای یونانی آغاز شد و با تلاش مردانی ادامه یافت که به‌هیچ‌روی

۱. Lycians؛ منسوب به لوکیا، کشور باستانی در جنوب غربی آسیای صغیر. یونانیان آن را مستعمره‌ی
خود کردند. م.

۲. Lydians؛ منسوب به لیدی یا لودیا، سرزمینی قدیمی در غرب آسیای صغیر. م.

۳. Etruscan؛ قومی که از آسیای صغیر به ایتالیا مهاجرت کرد. عالی‌ترین تمدن ایتالیا قبل از ظهور
دولت ر.م. م.

4. Cappadocian

5. Oscan؛ زبانی رایج در جنوب ایتالیا. م.

6. Messapian

۱. *Georgics*؛ در اصل به معنای کار بر زمین است. م.

۲. Parthenon؛ معبد آتنا در آکروپولیس آتن، در ۴۳۸ ق.م. تکمیل شد. م.

۳. نویسنده‌ی انگلیسی (۱۸۸۰-۱۹۳۲).

از اهالی رم نبودند – نویوس و انیوس از جنوب ایتالیا، پلائوتوس از اومبریا^۱، ترنتیوس از شمال افریقا. در این میان تقدیر رم این بود که راهی از آن خود پیش گیرد، و این راه نه سر نهادن یکباره در برابر برتری یونان بود و نه وانمودن این که ادبیات یونانی وجود ندارد و هیچ مشکلی پدید نیآورده است. رم به این کار سترگ برخاست که ادبیاتی لاتینی بیافریند که در کنار ادبیات یونانی جای گیرد. این مستلزم آن بود که قالب‌ها، حماسه، تراژدی، کمدی، تاریخ، فن خطابه و شعر غنایی را از یونان به وام گیرند و به یاری این ابزار آثاری با سبک و مقیاس کلاسیک پدید آرند. امروز می‌توانیم دید که ادبیات رومیایی در آغاز همان راهی را پیش گرفت که کل ادبیات اروپا بعد از رنسانس برگزید، زیرا این ادبیات نیز در پی آن بود که آثاری در قالب همه‌ی انواع [ژانرهای] کلاسیک پدید آورد.

برای رومیان این تلاشی درازمدت و توانفرسا بود. در چشم اینان زبان لاتین – چنان که سیسرون یک نسل پیش از ویرژیل آشکارا بیان کرد – زیبایی و غنای کم‌تر از یونانی داشت و زبانی بدلگام‌تر از یونانی بود. جامعه‌ی رُم چیزی بسیار متفاوت با دولت‌شهرهای یونان کلاسیک بود. در شهر رم همواره جریانی فرهنگ‌ستیز وجود داشت که دل‌سپردن به هنر را کاری یابو و نه درخور مردان به شمار می‌آورد، کاری درخور بیگانگانی که مردانگی و استقلال خود را به سبب شیفتگی به زیبایی از دست داده بودند. یونانیان همواره این برتری تردیدناپذیر فرهنگی را به رخ رومیان می‌کشیدند و بدین‌سان از ایشان انتقام شکست نظامی را می‌گرفتند؛ آنان این فکر را که آن مردم بی‌تمدن بتوانند چیزی بیافرینند که برای یونانیان ارزش خواندن داشته باشد با تمسخر یا تحقیری خاموش وار رد می‌کردند. این احساس یونانیان طبیعی بود، اما در دوران فرمانروایی اوگوستوس، آن‌گاه که ادبیات لاتینی با حضور مردانی چون ویرژیل، هوراس،

1. Umbria

پرور تیوس^۱، تیبولوس^۲، اویدیوس^۳ و لیویوس^۴ شکوفا شد، دنیای یونانی هیچ نویسنده‌ی زنده‌ای نداشت که با اینان برابری کند. طبیعی است که یونانیان این واقعیت را نمی‌پذیرفتند، و راست خواهی، اصولاً از این واقعیت بی‌خبر بودند.

آن‌گاه که ویرژیل قلم به کف گرفت دو یست سال از آغاز این تلاش توانفرسا می‌گذشت. سیسرون سبک‌پردازی بزرگ‌تر و نویسنده‌ای چیره‌دست‌تر و پُرهنرتر از هر یونانی معاصر خود بود. در این میان شاید استثنایی در کار باشد و آن پوسیدونیوس^۵، نویسنده‌ی بسیاردان، بود. سیسرون فن سخنوری را به جایی رسانده بود که از زمان دموستنس^۶، که کم و بیش سیصد سال پیش از او می‌زیست، همانندی نداشت؛ او چنان که خود با استعاره‌ای کاملاً رومی اشاره می‌کرد «ولایات جدیدی برای رم فتح کرده بود» و این به یاری رسالات فلسفی بود که در کنار رسالات افلاطون جای می‌گرفت و نیز نقدهایی که با نقدهای پیروان افلاطون برابری می‌کرد. زبان لاتین بر اثر کوشش‌هایی که برای پدیدآوردن واژگانی درخور این آثار صورت پذیرفت، غنای بسیار یافت. کاتولوس و یارانش به مطالعه‌ای دقیق درباره‌ی زبان دست زده بودند و اشعار بهترین شاعران یونانی را به شعر لاتین ترجمه کرده بودند؛ این تلاش‌ها شعر لاتین را از غنایی بیش‌تر و دامنه‌ای گسترده‌تر برخوردار کرده بود. با این همه، رومیان باز هم ناچار بودند برای قالب‌های ادبی روی به یونان آورند. حدود مشخص و کیفیت کلاسیک این قالب‌ها چنان بر پسند رومیان چیره شده بود که هر اثر هنری که این قالب‌ها را نادیده می‌گرفت کاری «بدوی» به شمار می‌آمد و هرگز

۱. شاعر و مرثیه‌سرای رومی (۵۰ ق.م. ۱۵). م.

۲. شاعر و مرثیه‌سرای رومی (۵۴ ق.م. ۱۸). م.

۳. شاعر نامدار رومی (۴۳ ق.م. ۱۷). اثر مشهورش مسخ. م.

۴. تاریخ‌نگار رومی (۵۹ ق.م. ۱۷). م.

۵. فیلسوف رواقی یونانی در قرن اول پیش از میلاد. متولد سوریه. هیچ‌یک از آثارش برجا نمانده. م.

۶. خطیب و سیاستمدار آتنی (۳۸۵-۳۲۲ ق.م.). م.

«اثر هنری» شناخته نمی‌شد. احساسات پر قدرت رومیان برای آن‌که مجال بیان بیابد به چهارچوب الگوهای یونانی نیاز داشت، خواه این احساسات عشق دغدغه‌آمیز کاتولوس و پروپرتیوس می‌بود یا صداقت اخلاقی لوکرتیوس یا میهن‌پرستی و اندوه ویرژیل. نویسندگان یونانی بسی پیش‌تر این عواطف پرشور را در آثار خود بیان کرده بودند، اما رومیان برای این کار نیاز به الگوهای ادبی ایشان داشتند. ویرژیل نیز هر شعر لاتین را که سرمشقی یونانی نداشت ناپخته به شمار می‌آورد.

اکنون به پرسش دوم باز می‌گردیم: چرا ویرژیل تنوکرتیوس را برگزید؟ در چشم ویرژیل او شاعری یونانی بود که آثارش در شیوه و فن به کمال رسیده بود و هنوز در دست مقلدان لاتین زبان متقدم به ابتذال نیفتاده بود و به گونه‌ای وسوسه‌انگیز میان طبیعت‌گرایی و صناعت و ابداع نوسان می‌کرد. شبانان تنوکرتیوس، با توجه به تعارضی که میان مضمون و سبک سروده‌اشان به چشم می‌خورد، با آنچه در ظاهر می‌نمود کاملاً تفاوت داشتند. آن پیچیدگی نهفته در شعرها که هیچ‌گاه روشن نمی‌شد، امکاناتی وسوسه‌انگیز به ویرژیل عرضه می‌کرد تا مضامینی پیچیده و خطرناک را در شعر راه دهد بی‌آن‌که موضع خود را به صراحت و دور از ابهام بیان دارد. در فصل بعد خواهیم دید که این شیوه چگونه مؤثر افتاد و چگونه ویرژیل با گنجاندن عناصر رومیایی در دنیای شبانی یونان به نتایجی اصیل و نامنتظر دست یافت.

سروده‌های شبانی در فاصله‌ی سال‌های ۴۳ تا ۳۸ پیش از میلاد سروده شد. ما از آنچه شاعر پیش از این سرودها نوشته بی‌خبریم. او خود تا آن زمان چیزی منتشر نکرده و به اثری دیگر نیز اشاره نکرده بود. مجموعه شعری شگفت‌انگیز در دست است که نام پیوست آثار ویرژیل بر خود دارد و دربرگیرنده‌ی چیزهایی است که در زمان‌های گوناگون به ویرژیل نسبت داده‌اند و تنها بدان سبب بر جای مانده که نام این شاعر نگهبان آن بوده است. اشتیاق برای شعرهایی بیش‌تر از بزرگترین شاعر رُم مردمان را واداشت که

قطعات گوناگونی را که بیش ترشان بی‌گمان جعلی است، به ویرژیل نسبت دهند. برخی از این قطعات اقتباس یا تقلیدی از آثار واقعی ویرژیل است و برای انتساب بخش دیگر به او هیچ دلیل روشنی در دست نداریم. تنها قطعاتی که احتمالاً کار خود ویرژیل است یک یا دو شعر بسیار کوتاه در مجموعه‌ای است مرکب از پانزده شعر با نام شعرهای کوتاه. این شعرها، چنان‌که می‌توان از اشعار اولیه‌ی ویرژیل انتظار داشت، دقیقاً به سبک اشعار کاتولوس، شاعر بزرگ روزگار جوانی ویرژیل، است. این شعرها اگر به‌راستی از آن ویرژیل باشند، تصویری بس نارسا از نوشته‌های شاعر خطاب به دوستانش درباره‌ی عشق، میهمانی‌ها و ازدست‌دادن ملکی در مانتوا به ما می‌دهند.

انتشار سروده‌های شبانی ویرژیل را در جایگاه شاعری نامور نشانند. در فصل بعد خواهیم دید که او مشکلات نوشتن چنین دفتری را چگونه از پیش پای برداشت. ویرژیل در سروده‌های شبانی یکی از حامیان خود، کایوس آسینیوس پولیو، دیگر مردان سرشناس و نیز دوستان و شاعران دیگر را نام می‌برد، اما از بزرگ‌ترین حامی او ماکناس که مشاور هنری غیررسمی اوگوستوس بود، نامی در این دفتر نمی‌یابیم. احتمال می‌دهیم که ورود ویرژیل به محفل ماکناس کم و بیش با انتشار این دفتر، که نخستین دفتر اوست، همزمان بوده باشد. ماکناس کسی است که هوراس، یکی دیگر از شاعران بزرگ و در واقع نامورترین ستاینده‌ی ویرژیل، را به مردمان معرفی کرد. ماکناس ملکی در ناحیه‌ی سایین^۱ با پنج زارع اجاره‌دار به هوراس هدیه داد و این بخشش شاعر را مکتبی بخشید. این‌که سهم ویرژیل از بخشش‌های ماکناس چه بود بر ما چندان روشن نیست، زیرا او برخلاف هوراس، در اشعارش از زندگی خود یاد نمی‌کرد. اما پژوهشگران

۱. Sabine؛ ناحیه‌ای در شمال شرقی رُم. اهالی سایین پیوسته با رومیان در جدال بودند و سرانجام شهروند روم شدند. ماجرای دزدیدن زنان سایین به دست رومیان مضمون نقاشی‌ها و شعرهای بسیار بوده. م.

باستان که وصیت‌نامه‌ی شاعر را دیده‌اند به ما می‌گویند که او مبلغ بسیار کلان ده میلیون سسترس^۱ از خود به جای نهاد و میراثی کلان نیز به ماکناس و اوگوستوس واگذار کرد. این بی‌گمان نشانه‌ی آن است که بخشی از ثروت او به سرچشمه‌ی اصلی اش بازگشته است.

چنین می‌نماید که از این زمان به بعد ویرژیل بیش تر در خلیج ناپل، منطقه‌ای از ایتالیا که از دیرباز سکونتگاه یونانیان بود (ناپلس^۲ یا نئاپولیس^۳ شهری باستانی در یونان بود)، مسکن گزید که زیبایی اش زبانزد مردمان بود. در آن جا از جمله دوستانش یکی سیرو، فیلسوف پیر و اپیکوروس، بود که شاعر با او مطالعه می‌کرد. دیدارهایش از رُم انگشت‌شمار بود و چنین پیدا است که مردی آزمگین و گوشه‌گیر بوده و همسر نگزیده است.

بنا بر آنچه گفته‌اند و درست نیز می‌نماید، منظومه‌ی بعدی ویرژیل، منظومه‌ی کشاورزی، در سال ۲۹ ق.م. منتشر شد. این بار ویرژیل در جست‌وجوی الگویی یونانی به دورانی قدیمی تر روی آورد. سرمشق او شاعر استادی کم و بیش نزدیک به دوران او نبود، سیمایی دور و از یادرفته به نام هسیود بود که هم‌روزگار هومر به شمار می‌رفت. منظومه‌ی کشاورزی منظومه‌ای واحد است اما به چهار دفتر تقسیم شده است. منظومه‌ای در ۲۰۰۰ سطر در قیاس با سرودهای شبانی که بلندترین آن‌ها ۱۰۰ سطر دارد، کاری در مقیاس بزرگ به شمار می‌رود. این منظومه روی خطاب به ماکناس دارد، و اوکتاویانوس — که نامش به هیچ‌روی در سرودهای شبانی نیامده بود — در این جا جایگاهی نمایان یافته است. اما این بار دوران مشقت‌بار پایان دهه‌ی ۴۰ ق.م. بدل به خاطره‌ای هشداردهنده شده بود و اوکتاویانوس در دهه‌ی ۳۰ ق.م. سرگرم آرام‌کردن افکار عمومی در ایتالیا و بسیج این افکار در برابر آخرین رقیبش مارکوس آنتونیوس بود. اوکتاویانوس در جنگ تبلیغاتی پیروز شد و توانست در برابر دشمنی که

۱. sesterc.؛ سکه‌ی نقره‌ی روم قدیم، معادل یک چهارم دیناریوس. م.

2. Naples

3. Neapolis

«اهل مصر شده بود» و در آن جا بساط خودکامگی شرقی گسترده بود، خود را قهرمان غرب امپراتوری روم معرفی کند. نبرد آکتیوم^۱ در سال ۳۱ ق.م. با جدالی بسیار اندک برگزار شد. برخی از نیروهای آنتونیوس در دم آخر به سوی دشمن رفتند و ناوگان مصری بی آن‌که خونی ریخته شود از کارزار گریخت. آنتونیوس و کلئوپاترا تنها توانستند جان خود را از آن هنگامه به در برند.

جنگ‌های داخلی سرانجام فرمانروایی واحد برای دنیا پدید آورد که مردی سی و دو ساله بود. این مرد عزم چه کار داشت؟ بیم و امید آن دوران در منظومه‌ی کشاورزی راه یافته است. ویرژیل، همچنان که سرودهای شبانی خود را «اشعار سیراکوزی» نامیده بود، این منظومه را «سرود آسکرای» نامید که به آسکرا^۲، شهر زادگاه هسیود، اشارت داشت. خواننده جدا از لذات دیگر، از این لذت برخوردار می‌شود که خود ببیند این توصیف تا چه حد برای این اثر نارساست. تأثیر هسیود در قیاس با تأثیر تئوکریتوس در سرودهای شبانی، کم‌تر در منظومه‌ی کشاورزی نمایان می‌شود، اما این تأثیر در تمهیداتی نهفته است که به شاعر امکان می‌داد به خواست خود از اکنون و حتی از ایتالیا فاصله بگیرد. این منظومه «آموزشی» است یعنی دست‌کم نمود اثری را دارد که بار آموزشی دارد. چگونگی شناخت خاک، چگونگی گزینش اسب و چگونگی رفتار با زنبورها وقتی بال درمی‌آورند؛ قطعاتی در این کتاب هست که دعوی پاسخ‌دادن به این‌گونه پرسش‌ها را دارد (ff. ۴۶۷، ff. ۳۱۰۰، G ۲۱۷۷ ff.). اما ویرژیل در این‌که نوشته‌ی خود را رنگ اخلاقی بزند و به آن جنبه‌ای تأمل‌انگیز بدهد از هسیود بسی فراتر می‌رود. فلسفه‌ی کار توانفرسا (labor) پیشینه‌ای بس کهن دارد و به اراده‌ی ژوپیتر می‌رسد. زندگی روستاییان نمودی باشکوه و دیگرگون می‌یابد و

۱. Actium؛ دماغه‌ای در شمال غربی یونان. در این جا قوای اوکتاویانوس (اوگوستوس) سپاه آنتونیوس و کلئوپاترا را شکست داد. م.

2. Ascra

ستایش می‌شود، مضامین میهن پرستانه در امیدواری به آینده‌ی روم و نیز سرافکنندگی به سبب گذشته‌ی نزدیک آن، در سراسر منظومه به چشم می‌خورد. در این جا تأثیر لوکرتیوس، با آن صمیمیت و شور، به‌راستی بیش از تأثیر هسیود اهمیت دارد. منظومه‌ی کشاورزی آراسته به فصل‌هایی به شعر است که ویرژیل بسیار کوشیده تا با مضمون کتاب مربوط باشند. قطعات مربوط به اوکتاویانوس آمیزه‌ای از ستایش مفرط، حتی چاپلوسی، و نوعی خودآگاهی و کوشش شاعر است بدین منظور که خود را از مضامینی که با استفاده از تصاویر غریب و گزاف‌گونه بیان می‌شود دور بدارد.

اوکتاویانوس (یا امپراتور اوگوستوس) بازگرداندن فضای اخلاقی سالم را بسیار مهم می‌شمرد. زیاده‌روی‌های نسل گذشته – بهره‌کشی بی‌شرمانه از ولایات، خودخواهی گستاخانه‌ای که سرداران رومی را به لشکرکشی به رم واداشت، به‌رخ‌کشیدن ثروت‌های فردی، موجی فراگیر از روابط نامشروع و بی‌بند و باری جنسی که نهاد خانواده را به نابودی تهدید می‌کرد – می‌بایست جای خود را به نظمی جدید، استوار بر خویشتنداری و روحیه‌ی جمعی می‌سپرد. او به‌رغم مقاومت شدید مخالفان، بر عزم خود پای فشرد و قوانینی گذراند که زنا را غیرقانونی می‌شمرد و ازدواج را تشویق می‌کرد و نیز مصرف اسرافکارانه را محدود می‌داشت. بدیهی است که شاعران در فشار بودند تا آثاری بیافرینند که سهمی در این جنبش احیای اخلاق داشته باشد، و شاید تنها شعری که در پاسخ به این سفارش اجتماعی نوشته شد، یعنی *Carmen Saeculare*^۱ اثر هوراس، بدین منظور بود که در آیین‌ها و مراسم غیرمذهبی سال ۱۷ ق.م. عرضه شود. از این روست که این شعر رحمت خداوند را سپاس می‌گوید که «قوانینی از سنا گذشته است درباره‌ی ازدواج زنان و اصل زناشویی که در تولید نسلی جدید مؤثر خواهد افتاد». اصل شعر به همین صراحت و سادگی است که در ترجمه

می‌بینید، و روشن است که چرا شاعران می‌کوشیدند از این شیوه‌ی صریح و بی‌رنگ و بوی پرهیز کنند. اما ویرژیل در منظومه‌ی کشاورزی، با روش غیرمستقیم و کنایه‌آمیز خود با اهداف اوکتاویانوس، اما نه با روش‌های او، همدلی نشان می‌دهد. با این همه، چنان‌که در فصل سوم خواهیم دید، اشارات مهمی در منظومه‌ی کشاورزی، خاصه در بخش پایانی آن، هست که نشان‌دهنده‌ی عقاید و احساساتی بسیار متفاوت با اخلاق‌گرایی صریح و میهن‌پرستی بدون تفکر است. ساختار منظومه چندصدایی است و برخی از این صداها بیانگر نوعی جهان‌وطنی فلسفی هستند، برخی دیگر باری از مایخولایی پراحساس دارند. مسئله‌ی روم با پیچیدگی‌ای بیان می‌شود که از گونه‌ای ابهام برخوردار است.

همچنین ویرژیل خود اقرار می‌کند که آرزو دارد منظومه‌ای حماسی در بزرگداشت دستاوردهای مادی اوکتاویانوس بنویسد. این چیزی بود که اوکتاویانوس در ته‌دل آن را بر حمایت از اصلاحات اخلاقی خود برتری می‌داد. وارث یولیوس سزار بنا بر تعریف، می‌بایست سپاهیمردی بزرگ می‌بود؛ فرمانروای روم می‌بایست شکوه مقهورکننده‌ی مردم خود را تجسم می‌بخشید. بزرگان روم همچون دودمان‌های یونانی پیش از خود، یک قرن و نیم بود که به شنیدن حماسه‌های ستایش‌آمیز درباره‌ی فتوحاتشان خو کرده بودند. سیسرون کوشید تا گروهی از شاعران رومی و یونانی را به نوشتن حماسه‌ای درباره‌ی اقداماتش در مقام کنسول تشویق کند. سرانجام کارش به آنجا کشید که خود به کار نوشتن آن منظومه پرداخت، و این کار مایه‌ی تفریح خاطر مردمان شد. تردیدی نیست که ویرژیل اوکتاویانوس را متقاعد کرده بود که «در آینده‌ای نزدیک» به نوشتن چنین منظومه‌ای فکر خواهد کرد (G ۳۴۶). اما سرانجام تصمیم گرفت چیزی یکسره متفاوت با آن، یعنی *اِئاید*^۱ را، بنویسد. ما درباره‌ی

۱. مأخوذ از نام آیتناس، پهلوان تروایی. تلفظ اصلی این کلمه آیتنید است، اما در زبان فارسی تلفظ فرانسوی آن، اِئاید، رایج شده. رک: اِئاید، ترجمه‌ی میرجلال‌الدین کزازی، نشر مرکز، ۱۳۶۹ م.

۱. به معنای «چکامه‌ی ادوار». در زبان انگلیسی با عنوان *Song of Ages* شهرت دارد. م.